

## تربیت ملی

بقلم آقای میرزا علی محمد خان اویسی

## ۳ - تربیت چیست ؟

اهمیت تربیت را در مقاله قبل گفتیم و بطور اختصار مبرهن ساختیم که آدم بی تربیت فاقد استقلال نفس بوده و اگر مضر نباشد غالباً عضو مفیدی در جامعه نتواند بود - بهمین ترتیب ملل بی تربیت نیز در دنیا محکوم بعدم موفقیت و ضعف میباشند .

اکنون مقصود از این مقاله بیان اهمیت تربیت و طرز تحصیل آنست البته ما نمیخواهیم در اینجا يك سلسله از مسائل مهمه علم تعلیم را که راجع باین موضوع است تحت مطالعه در آورده و بیان نمائیم . زیرا از حدود مقاله ما خارج و موجب طول کلام خواهد شد . ولی خالی از فایده نمیدانیم که در ضمن بیانات دایر به تربیت ملی کلمه چند نیز در تعریف تربیت و تحصیل آن گفته شود .

اصول تدریس « تربیت » عیناً همانست که در « تعلیم » بکار میرود - با يك تفاوت که در « تعلیم » زحمت تحصیل بیشتر به حافظه و فکر وارد می آید و در کسب « تربیت » به نفس - بعلاوه کسب مکارم اخلاق از اراده و ثبات و قدرت ایجاد و غیره فقط با ذکر دلایل و بیان يك سلسله مطالب نظری میسر نشود و بنابراین بوسیله خواندن کتاب بدست نخواهد آمد بلکه برای اینکه درست در مغز جایگیر شود باید نفس کاملاً تابع آن گردد - بدون اینکه بدلیل و برهانی متوسل شده و یا این تبعیت مبتنی بر فلان مبنای علمی قرار داده شود . چه در این میدان بمحض اینکه پای دلیل بمیان آید - بلاشک در مقابل کوچکترین حمله

هواجس نفسانی ذلیل میشود و از میان میرود. تربیت و اخلاق باید طبیعی انسان بشود و در صورتیکه موروثی نباشد - در اکتساب آن رنج بسیار باید تحمل نمود و خود و دودمان خویش را از مضار بی تربیتی رهانید.

مکارم اخلاق تنها نیز حاصل نمیشود - بلکه اکتساب آن غالباً موروثی است و نتیجه يك دوره طولانی توارث و حتی برای تولید بعضی اوصاف ملی قرنها وقت لازم است. ولی این نکته نباید ما را از تعقیب کسب تربیت مانع شده و مأیوس بدارد. زیرا در صورت عدم موفقیت کامل بتزکیه نفس - اقلابدين وسیله يك سلسله نواقص خود را رفع کرده و مزایای خویش را تکمیل توانیم نمود.

اینک ما محض تذکر خاطر خوانندگان گرام به بیان مختصری از طرز تحصیل مزایای تربیتی و مکارم اخلاق قناعت نموده مقاله حاضر را خاتمه میدهیم:

حس معاینه و دقت نظر. - از همه چیز لازم تر برای زندگی بشر حس معاینه و دقت نظر است.

ملاحظه کرده اید غالب اشخاص با چشم باز قدرت دیدن ندارند - یعنی نمیتوانند اشیاء و اشخاص را بوسیله چشم بدرستی تشخیص داده و بشناسند. این اشخاص کور نیستند - بلکه فقط حس معاینه ندارند سبب آن عدم تربیت چشم است. چه چشم نیز مانند عناصر دیگر بدن محتاج بورزش است و چشمی که متصل عادت بخواندن کتاب کرده - قوت و فعالیت خود را از دست داده و در نهایت وظیفه طبیعی خویش را نمیتواند ایفا نماید. بنا بر این مهمترین قسمت تحصیلات ابتدائی باید

عبارت باشد از آنچه که بچه را بدیدن و درك مشهودات عادت داده و چشم او را بطوری تربیت نمایند که هرچه در پیشش آید بدرستی ملاحظه نماید و به بیند و در نتیجه دیدن - درست آنرا بشناسد و درك کند نیل بدین مقصود نیز چندان اشکالی ندارد و خیلی ساده است. منتهی معلمین محترم باید قدری عادت بطرز تعلیم آن نموده با کمال مراقبت بموقع عمل گذارند.

تربیت چشم کودکان بوسایل مختلفه میسر میشود که مهمترین آن گردش و تفریح است بامعلم - تا چشم آنها چیزهای مختلفه را دیده وبوسیله معلم متوجه آنها شده و مورد معاینه و مذاقه قرار بدهند.

معلم باید بدواً بچه را بیک جزء بخصوص از کل يك چیز متوجه سازد: مثلاً پنجره‌های يك خانه و كروك يك درشكه و از بچه بخواهد که تفصیل وچگونگی آنها را بیان نماید - بدین ترتیب بچه عادت میکند که در دیدن اشیاء خیلی دقیق شود و در اندك زمانی کوچکترین تفاوت بین اشیاء متشابه را درك نموده و باسانی تشخیص میدهد. در اینصورت بجای اینکه بشاگردان تکلیف شود که شرح طوفانی را که ابدأ ندیده‌اند بنویسند و یا گذارش جنگهای فلان پادشاه را که فقط در کتاب خوانده‌اند برشته تحریر در آورند - معلم باید آنها را به نوشتن آنچه که دیده اند و یا قسمتی از آنچه که بهتر درك کرده اند تکلیف کند - در اندك زمانی ملاحظه خواهد شد که حس معاینه و مذاقه کودکان متدرجاً بیدار شده و بالاخره آنها را بتولید افکار مخصوص بخودشان عادت داده و در نهایت این قوه درك و فهم اشیاء و اظهار عقیده نسبت بانها از طرف اطفال خرد سال بجائی میرسد که موجب تعجب خواهد شد

وقتی که بچه قدری ترقی میکند - ممکن است میدان ملاحظه و دقت نظر او را وسعت داد و در آنوقت میتوان باو تکلیف کرد که شرح يك مغازه که از جلو آن گذشته و يك عمارتی را که ضمن گردش ملاحظه کرده بالتمام نوشته و نقشه تقریبی آنرا هم رسم نماید - بدون آنکه تقاضا داشته باشیم که آن نقشه را بدون عیب و نقص ترسیم کرده و یا تفصیل مغاره و یا عمارت را حتماً بطور کامل بنویسد - زیرا آنچه کودکان بدین ترتیب تنظیم مینمایند بدو نواقص بسیار دارد - ولی در تحت مراقبت معلم متدرجاً بمعایب کار خود پی برده و بخودی خود میفهمد که آنچه دیده و گمان کرده است درست ملاحظه نموده بخوبی درك نکرده و در دفعه دیگر سعی میکند که بهتر معاینه و دقت نماید. خودتان امتحاناً سعی کنید که نقشه يك عمارتی را که همه روزه از برابر آن میگذرید ترسیم نموده و جزئیات طرح آنرا بنویسید. خواهید دید اشتباهات عمده نموده و هرچند نقشه و تحریرات شما از نقطه نظر صنعت انشاء کامل باشد.

چون با اصل بنا مقابله و مقایسه شود - متضمن يك سلسله خطا و اشتباهات میباشد که باید با تکرار عمل و تجربه زیاد رفع شود و فقط در یرتو آن تکرار و تجربه ممکن است که دیدن را آموخت و دقت نظر را تحصیل نمود - بعبارت اخیری چشم را تربیت کرد .

حال باید دید آن معلم مدرسه که جغرافیا و علم الاشیاء و تاریخ را میخواهد بوسیله خواندن کتاب و دقت در کلمات و عبارات و حفظ کردن مطالب آن در مغز شاگرد نقش به بندد تا چه درجه به تربیت اطفال خدمت مینماید ؟

این طرز تعلیم و تربیت که تا کنون در مدارس قدیمه و جدیدۀ ما معمول و متداول میباشد - جز آنچه نتیجه گرفته اند اثر بهتری نتواند داشت و نباید با ادامه آن امیدوار به آئیۀ روشنی بود .

ملاحظه کنید اغلب فضایل ما - جز معدودی که در پرتو سنی و عمل خویش بجائی رسیده اند - توانائی تولید يك فكر تازه و طرز نوین و یا قدرت تحریر و تشریح يك واقعه و يك چیز را كه دیده اند بنحو مطلوب و بطور مرغوب و از روی دقت ندارند و تنها با مراجعه بكتاب و پشت هم انداختن كلمات و عبارات جملی را ترکیب و مقصودی را بطور ناقص بیان میکنند .

از این قسم آدمها در اروپا موجود است که با وجود تمام کردن مدارس عالیۀ از فهم اشیاء و درك حقایق بواسطه معاینات شخصی و دقت نظر عاجز بوده و هر جا میروند از روی کتاب آنجا را شناخته و قضاوت میکنند اگر میخواهیم که نسل آئیۀ ما هوشیار و صاحب دقت نظر گردد - باید جداً به تربیت چشم کودکان از کلاس اول ابتدائی شروع نموده و بطرز تعلیم سابق خاتمه داده شود .

حس اشتراك منافع - نظم - اصابت نظر - تصمیم و غیره . - اوصافی که شرح داده شد حائز اهمیت اساسی در زندگانی میباشد و از همین نقطه نظر است که انگلیسها برای کسب و توسعه آنها بوسائل مختلفه مثبت شده و جوانان خود را ببازیهای بسیار تند و شدید که غالباً خطرناك هم هستند . و ادار مینمایند . اگرچه وسایل سخت آنها با طبیعت نرم و راحت طلب ما موافقت ندارد - ولی ما هم بالاخره باید این نکته را نصب العین کرده و بدانیم که هر چه جوانان

مابیشتر خود را بوسائل معموله امروز دنیای متمدن آشنا کرده و ب ورزش و خطرات زیادتر تن دهند - بهتر اوصافی را که باعث ترقی ملل آنکلو ساکسون شده - درک نموده و زیادتر در زندگانی موفقیت حاصل مینمایند آن ورزش ها و خطرات بانسان حس نظم - مقاومت در مقابل مصائب - جرات - تصمیم - اصابت نظر و اشتراك منافع میاموزد و آدمی که دارای این اوصاف باشد - جای تردید نیست که در زندگانی موفقیت حاصل خواهد نمود .

ورزشها و بازیهای انگلیسی است که حس اشتراك منافع را در آنملت بقدری پرورش داده که غالبا برای منافع جامعه خود از منافع شخص خود گذشته - بلکه فداکاری نیز مینمایند .

بعلاوه يك صفت دیگر را هم در آنها پرورانده است که بینهایت اهمیت دارد و آن صفت Self control است یعنی خود داری و یا اداره نفس - انگلیسها باین صفت خیلی اهمیت میدهند و متصل سعی دارند که آنها قویتر نمایند و میتوان گفت قسمت اعظم موفقیت آنها در پرتو داشتن این صفت است .

دکتر گوستاولوبن نقل میکنند که در یکی از جنگلهای هندوستان واقعه در جبال «آبو» که همه قسم حیوانات درنده و حشرات موزیه ازببر و مار و غیره دارد - صاحب منصب انگلیسی هرشب از منزل خارج شده بانجا میرفت و چون از او استفسار شد که علت این اقدام خطرناک چیست با خجلت جوابداد که چون بقدر کافی خونسردی و تسلط ب خود ندارد برای کسب این اوصاف باین اقدام مبادرت مینماید یعنی هرشب در جنگل داخل شده در قعر دره که از آنجا صدا بهیچ جا

نمیرسد و امید استمدادی از خارج نمیرود - رفته - در کنار نهر کمین میکنند، بیری برای آب خوردن بیاید - غالباً چند ساعت بلکه تمام شب را انتظار میکشد و در این انتظار خوفناک همواره فکر خود را بمحسنات قوت نفس مشغول داشته و همیشه مترصد است و منتظر که کبی ببر پیدا شود - زیرا بمحض نمایان شدن حیوان بیش از دوسه ثانیه وقت باقی نمیماند و آنهم بقدری است که تفنگ را قراول رفته و گلوله را درست بمغز او جای دهد و الا در صورت مجروح شدن حیوان کار آن انسان بی احتیاط تمام است. خطرات يك چنین اقدامی پوشیده نیست - ولی در نتیجه آن انسان بالاخره از خود مطمئن شده و از هیچ چیز در زندگانی نمیترسد و مسام است که چون ملتی دارای چنین افرادی شود - البته بر تمام عالم مسلط تواند شد.

ثبات و اراده - این اوصاف غالباً موروثی است و باسانی بدست نمی آید. معهنذا بوسیله تربیت میتوان تا اندازه بکسب آنها موفقیت حاصل نمود. بدین ترتیب که باید طفل را هر قدر که ممکن - است در وضعیتی قرار داد که مجبور شود فکر نموده و تصمیمی اتخاذ کند و بمحض اتخاذ تصمیم باید او را مجبور کرد که آنرا کاملاً بموقع اجرا گذارده انجام دهد. گویند که «وردس ورث» شاعر انگلیسی روزی که برای گردش و تفرج بکوهستانی رفته بود باوجود طوفان شدید از ادامه گردش منصرف نشد - زیرا میگفت: «ترك تصمیم بعلت حصول مختصر مانعی برای اخلاق و طبیعت انسان وضع خطرناکی است.»

برای مللی مانند ما که کمتر حائز ثبات قدم و اراده میباشند بیش از همه لازم است که برکسب این اوصاف مهمه پرداخته و در این راه

بایسد نهایت جدیت مبذول شود. این دو صفت در زندگانی بشر بقدری اهمیت دارند که، بتهائی میتوانند انسان را از درجهٔ خیلی پست - بدرجات عالیه ترقی برسانند هیچ چیز در مقابل ارادهٔ قوی و ثبات تاب مقاومت ندارد و کاملاً بثبوت رسیده است که حتی از مرض جلوگیری توانند نمود. تاریخ بماثبات مینماید که در هر عصر تنها اراده بوده - است که برانسان و طبیعت غلبه نموده - دول عظیمه و اختراعات محیرالعقول را بعرضهٔ وجود و ظهور آورده است.

حکایت کنند که یکنفر اروپائی در هندوستان مصمم شد که مانند فقرای هندی بریاضت پردازدو در پرتو اراده موفق گردید که جوالدوز بهلپ و دست خود فرو برده و احساس درد نکند و حتی خون هم بیرون نیاید و غریب تر آنکه بمحض غفلت از اعمال اراده - خون شروع بجریان نموده و خارج میشد و درد شدیدی احساس میکرد. باراراده در دنیا میتوان اعجاز نمود - ولی اراده باید قوی و پروام باشد و چون این نعمت برای همه میسر نمیشود - این است که عده مردمان بزرگو صاحبان اعجازو کرامت در جهان معدود است. تاریخ بخوبی مدلل میدارد که علت غائی انحطاطو اضمحلال ملل همانا حدوث ضعف اوصاف حمیده و فقدان مکارم اخلاق بوده است نه کمی هوش و بیعلمی.

وقتی که مغلوبیت ایران را در مقابل روس در زمان جنگهای فتحعلی شاه - بنظر می آوریم این قضیه کاملاً روشن میشود که علت اصلی آن ضعف نفس و بیثباتی افراد صاحبمنصبان ایرانی بوده است در آن دوره - از هر درجه و مقام. با آنکه ایرانی همان بود که در پرتو



ثبات و عزم نادری در چند سال قبل از آن بهترین اوصاف نظامگیری را ظاهر ساخته و بفتوحات بزرگ موفق شده بود. در صورتیکه در این دفعه چون پیشوایان او ترسو - بیعزم و فاقد اوصاف لازمه دیگر بودند - مغلوب گردید و بخرارت مهمی دچار شد. برای پیشرفت های نظامی و در نتیجه موفقیت های مادی و معنوی باید صاحب منصبان قوی و با اراده تربیت نمود. زیرا آن دوره گذشته است که يك سرکرده بتواند يك قشون و اردو را اداره نماید. امروز صاحب منصب كوچك باید دارای استقلال فکر - اراده - ثبات قدرت نفس - اصابت نظر و سایر اوصاف لازمه دیگر بوده باشد تا بتواند دسته خود را در میان اردوی بزرگ بنحو مطلوب اداره نماید و مسلم است که در هر ملت بیشتر این قبیل افراد وجود داشته باشد - بهتر بحصول آمال و مقاصد موفقیت حاصل خواهد نمود.

برای اینکه نفوذ قشون و درجه اهمیت آنرا در تربیت جامعه ملی توضیح دهیم - خزانندگان گرام را دعوت مینمائیم که بمقاله بعد مراجعه فرمایند



### قیمت عمر

که باران رحمت بر او هر دی  
ز بهرم یکی خاتم زر خرید  
بخر مائی از دستم انگشتی  
بشیرینی از وی توانند برد  
که در عیش شیرین بر انداختی

ز عهد پدر یاد دارم همی  
که در طفلیم لوح و دفتر خرید  
بدر کرد نا که یکی مشتری  
چو شناسد انگشتی طفل خرد  
تو هم قیمت عمرم شناختی